

## بهیزک

بهترک - باتای قرشت بروزن اسپرک ، نام سالی است سیزده مساهه که پارسیان پیش از ظهور اسلام از کیسه یکصد و بیست سال اعتبار میکردند . یعنی بعد از هر صد و بیست سال ، یکسال را سیزده ماه می‌شمرده اند و آنرا بهترک می‌نامیده‌اند . و این سال در زمان هر پادشاه که واقع میشد ، دلیل بر شوکت و عظمت آن پادشاه میدانسته‌اند و او را اعظم سلاطین میدانسته‌اند ، بلکه عقیده آنها این بوده که سال بهترک جز در زمان پادشاه ذوشوکت واقع نمیشود ، چنانکه در زمان نوشیروان واقع شد و در آن سال دوازده بهشت وقوع یافت .

این مطلبی است که در برهان قاطع محمد بن حسین ، در مورد نام نوعی سال آمده است . از منابع دیگر فارسی میدانیم که بهترک تصحیف بهیزک است و از آنجا که در همه فرهنگها به همین شکل بهترک آمده و توضیحات همه آنها نیز یکسان است (۱) لابد همه آنها از یک منبع بدست آورده‌اند که اگرچه مطلب را دقیق بیان کرده اما از آنجا که جامع نیست باعث گمراهی اغلب کسانی شده است که در مورد این نوع سال و حساب ، و نیز اصطلاحات و تاریخ و تقویم پیش از اسلام ایران

۱- برای نمونه مطلبی که عیناً در فرهنگ جهانگیری آمده است نقل می‌شود:

پارسیان پیش از ظهور اسلام از کیسه یکصد و بیست سال ، یکسال آن سیزده ماه بود و اعتبار می‌نموده‌اند و آنرا بهترک می‌نامیده‌اند . و این سال بهترک در زمان هر پادشاه که واقع می‌شد دلیل بر شوکت و عظمت آن پادشاه میدانسته‌اند و او را اعظم سلاطین میدانسته‌اند تا بعدی که عقیده آنها آن بوده که سال بهترک جز در زمان شاه ذوشوکت واقع نمی‌شود .

تحقیق کرده‌اند. در منابع تخصصی فارسی، کلمه درست و به شکل بهیزك آمده اما توضیحات آن بدلایلی که خواهد آمد و با توجه به متون پهلوی موجود کافی نیست و یا لااقل معنی کامل بهیزك را نمی‌رساند. در التفهیم بیرونی چنین آمده است:

« وپارسیان را از جهت کیش گبر کی نشانست که سال را به یکی روز کیسه کنند. پس این چهاریک روز را عید همی کردند تا از وی ماهی تمام گردآمدی به صدویست سال و آنگاه این ماه را بر ماههای سال زیادت کردند تا سیزده ماه شدی و نام یکی ماه اندر دو بار گفته آمدی و آن سال را بهیزك خواندندی. (۱) دانشمندان معاصر بدون توجه به مطالب دقیق برهان قاطع و التفهیم در صد گزارش بهیزك بر آمده‌اند و اغلب گزارش صحیح یا دقیقی از آن نداده‌اند. از دانشمندان متخصص سید حسن تقی زاده (۲) و به دنبال او ابراهیم پورداود (۳) و محمد معین (۴) تقریباً مطالبی را نقل کرده‌اند که جنبه علمی دقیق ندارد. متأسفانه دنباله‌روی و اعتماد به گفته ایشان هنوز ادامه دارد.

دانشمند محترم آقای مهرداد بهار در آثار خویش چنین آورده‌اند:

۱- Vihēzag ... منظور حساب سالی است که هر چهار سال یک روز اضافی می‌داشته است (؟) ... در این مورد، منظور سال شمسی است که پنجه دزدیده به آن اضافه شده باشد و اولی از روز منظور نشده باشد. (۵)

۲- Vihēzagīg: بهیز کیومرثی سال شمسی که پنجه دزدیده به آن افزوده

۱- بیرونی التفهیم لاوائل... جلال همائی- تهران ۱۳۱۸ ص ۲۲۲.

۲- حسن تقی زاده - گاهشماری در ایران قدیم - تهران ۱۳۱۶ و نیز: بیست مقاله

تقی زاده - تهران ۱۳۴۱

۳- ابراهیم پورداود - ادبیات مزدیسنا - خرده اوستا - بیبی ۱۳۱۰ ص ۲۱۰

به بعد.

۴- ذهل وازه بهترک در برهان قاطع.

۵- مهرداد بهار، وازه نامه گزیده های زاد سپهرم. تهران ۱۳۵۱ ص ۲۰۳

شده باشد. (۱)

۳- Vihēzagīg بهیزه‌ای. بهیزه یاخمسه مسترقه (۴) پنج روز اضافی آخر هر سال است. ولی در اینجا منظور ۱/۲ روز اضافی پایان هر سال است. هر صد و بیست سال، یک سال را سیزده ماهه می‌کردند تا شمارش سالها مرتب بماند (۴) به حساب دیگر (۴) هر چهار سال یک روز اضافه میشده است. (۲)

در مراجعه به بندهش و زاد سپرم تقریباً هیچیک از تعاریف بالا دقیق نخواهد بود و بهمین دلیل من در مقابل برخی از قسمت‌های این تعاریف - بویژه وقتی از جهت تقویم غیر فنی و ناپذیر فنی می‌نمود - علامت سوال گذاشتم.

تا آنجا که من میدانم سرچشمه همه این سخنان گزارشی است که ه - نو برك در رساله خود «متون تقویم مزدیسنی» (۳) از سال بهیزه کی داده است. ترجمه و گزارش او مبدا همه سخنانی است که در گزارش اصطلاح «بهیزه کی» گفته میشود. برای بحث درباره معنی دقیق این اصطلاح ناچار هستیم که تمام مواردی را که در آنها بکار رفته است جمع‌آوری کنیم و مهمترین آنها چنین است:

فصل ۲۵ بندهش بانام abar sāl ī dēnīg (در سال دینی) از مهمترین نوشته‌های فنی تقویم در میان آثار پهلوی است. با این که چهل سال از ترجمه و گزارش نسبتاً خوب نو برك از این فصل می‌گذرد و بنا بر این که احتمال نشر ترجمه بندهش - هر روزه - از جانب یکی از دانشمندان جهان بسیار است. هنوز مطالب دقیق و فنی این فصل - چنان که باید - مورد توجه واقع نشده است. بحث مادر اینجا متأسفانه در همه آن فصل نیست و تنها بذكر آنچه در باره بهیزه آمده است می‌پردازیم. در این فصل گوید:

۱- مهرداد بهار واژه‌نامه بندهش تهران ۱۳۴۵، ص ۳۳۷.

۲- «گزیده‌های زاد سپرم»، ص ۲۰۳.

3- H.S. NYBERG, Texte zum Mazdayasnischen Kalender, Uppsala, 1934.

ud az mēdyośahm gāh ī hast māh ī tīr wihēzagīg,  
rōz x<sup>v</sup>ar, tāg mēdyāri gāh, ī hast māh ī daw ī  
wihēzagīg, rōz ī warahrān, roz kāhēd.....<sup>1</sup>

ترجمه: وازمیدبوشم گاه که هست ماه تیر بهیز کی، روز خور، تامید یاری

گاه، که هست ماه دی بهیز کی، روز بهرام، روز کاھد .

نمونه دیگر از همان جا :

az māh ī frawardēn, rōz ī ōhrmazd ī wihēzagīg

tāg māh ī mihr rōz anašrān ī [tāg] wihēzagīg

[astī] bawēd 7 māh hāmēn, az māh ābān rōz ī ōhr-

mazd ī wihēzagīg tāg māh sipandarmad ī wihēzagīg

ī panjag ō sar bawēd 5 māhigān zamistān.....<sup>2</sup>

ترجمه: از ماه فروردین روز هرمزد بهیز کی تمامه مهر روزانیران بهیز کی

شود ۷ ماه تابستان (است) . از ماه آبان روز هرمزد بهیز کی تمامه سپندارمذ

بهیز کی که پنجه به سرشود ۵ ماه زمستان (است) .

ملاحظه می شود که در قسمت یکم کاهش طول روزها تا اول زمستان

خورشیدی شرح داده میشود و برای سال ثابت اصطلاح بهیز کی بکار می رود .

در چنین موردی بهیز کی دقیقاً یعنی خورشیدی زیرا که دقیقترین سال برای تعریف

در هر حادثه تقویمی است که محتاج سال ثابت باشد. بدیهی است که از آن سال

ثابت نیز خوانده می شود .

در بخش دوم نیز تابستان هفت ماهه و زمستان ۵ ماهه قدیم را در تطبیق با

سال ثابت یا خورشیدی یا سال بهیز کی سنجیده است. درست مثل این که ما امروز

بخواهیم سال قمری یا میلادی را با «خورشیدی» تطبیق دهیم.

1- The Bundahishn. Ed. by: T.D. Anklesaria Bombay  
1908, P. 157.

2- The Bundahishn..... P. 158 (TD<sub>1</sub>)

نوبرك در تمام این فصل بهیز کی رابه Schaltmonats kalender  
 ویا Schaltjahr ترجمه کرده است (۱)  
 از طرف دیگر اگر مقصود از سال خورشیدی سال ۳۶۵ روزی باشد، یعنی  
 سال بر مبنای تعداد روزها و با احتساب روز کامل و صرف نظر کردن از کسرها،  
 بعدی که تبدیل به يك روز کامل شود. آنگاه اصطلاح دیگری برای آن بکار میرود  
 که معادل فارسی «روز شمار» است. در همین فصل بندهش آمده است:  
 dit sāl ī pad wardišn ī māh abāg sāl ī ōšmurdīg  
 nē rāst, ēd rāy māh yāwar-ē pad 29 abāz bawēd,  
 yāwar-ē pad 30.....<sup>2</sup>

ترجمه: سال دیگر که به گردش ماه (است) با سال روز شمار راست نیست  
 از اینرا که ماه يك بار به ۲۹ باز بود و یکبار به ۳۰...  
 مقصود این است که سالی که به گردش ماه است (سال قمری) با سال روز  
 شمار برابر نیست زیرا که ماه (قمری) يك بار ۲۹ روزی است و يك بار سی روزی  
 (و این مجموع در يك سال از سال روز شمار کمتر می شود) (۳)  
 ملاحظه می شود که اگر چه باز مبنای سنجش يك حساب دیگر (سال قمری)  
 سال خورشیدی است اما در این موارد از آنجا که شمارش روزها مورد توجه  
 نویسنده بوده و با اینکه بساید مبنای حسابش سال ثابت خورشیدی باشد، از نوع  
 روز شمار سال خورشیدی استفاده کرده است و نه بهیز کی یا نوع دیگر. به همین  
 دلیل است که باز میتوان در معنی بهیز کی نوشت: «خورشیدی ثابت» و البته در

1- H. Nyberg. Ibid. S. 19

2- The Bundahishn..... (TD<sub>2</sub>) P. 161

۳- در سالهای قمری دوره اسلامی (حسابی و نه وسطی و رویتی) نیز هیناً همین روش

حفظ شده است.

معنی اش مردیک (ōšmurdīg) «روزشمار» و نه چیز دیگر.

در تمام این قسمت نیز نوبرگ اصطلاح روزشمار را به Rechenjahr

«سال شماری» و در توضیح به sonnejahr «سال خورشیدی» ترجمه

کرده است که دقیق نیست (۱)

در فصلی از دینکرد - که آن نیز از نظر تقویمی فصلی بسیار مهم و قابل مقایسه

با فصل مذکور از بندهش است - سخن از سال خورشیدی و قمری است با این عنوان:

abar ān ī x<sup>v</sup>aršēdīg ud ān ī māhdistīg sāl, cim,

ōz, kār, az niķēz ī wēhdēn.

(در معنی نفوذ و وظیفه (کار) سالهای خورشیدی و قمری از آموزش

دین بهی .)

در این فصل نیز مطالبی در مورد سال خورشیدی آمده است که در مورد

اصطلاح «بهیزکی» توضیحات بیشتری دارد. از جمله گوید:

hat, x<sup>v</sup>aršēdīg sāl 2 adwēnag, rōz-wihēzagīg

ī andar sāl, ud zamān-wihēzagīg ī az sālān.

rōz wihēzagīg ī andar sāl ān ī az 12 mäh, ī

har mäh 30 rōz, ud 5 rōz, ī az frāyih ī x<sup>v</sup>aršēd

pad 12 mäh andar axtarān rawišn bawēd, aknēn 300

ud 60 ud 5 rōz. az ān cē 5 rōz ī az zamānhā az

andar mähān ī sāl ham bawēd, ō abdu mäh ī sāl

dāšt ēstēd. rōz-wihēzagīg ī andar sāl az ān cē

andar ōsmar ī amargān dašt ēstēd, ōsmurdīg-iz

1- H.S. NYBERG, Texte zum..... S, 19 u.s.w.

۲- در متن سنجانا zamān wihēzagīg خوانده میشود و نوبرک بی هیچ

دلیلی آنرا u gōŕihēt kand ī hac sālān خوانده و ترجمه کرده

است: و گفته شده است خرابی که در سالها ..... (؟)

x<sup>v</sup>ānihēd.

ud zamān wihēzagīg ī az sālān, ān ī az 6 zamān ud xurdaḡ ī zamān ī abar sar ī 365 rōz hamēh har sāl, društ-agihā pad 4 sāl ēwagān rōz, pad 40 sāl 10 rōz, pad 120 sāl ēwag māh, pad 600 sāl 5 māh, pad 1440 sāl sāl-ē bawēd. ud-š zamān wihēzagīg ī az sālān rōz, ēn cē az 6 zamān ī xurdaḡ ī zamān ī abar rōzān ī sāl sar, az sālān was hamēh bawēd.

ud rōz wihēzagīg ī x<sup>v</sup>ad hast ān ī ōšmurdīg, sāl ōz ud kār abar nōg-rōz ud mihragān ud abārīg yašnīhā ī kahwan hast ī.....<sup>1</sup>

ترجمه: سال خورشیدی دوگونه است. روز بهیز کی اندر سال. و زمان بهیز کی از سالان. روز بهیز کی اندر سال آن که از ۱۲ ماه، هر ماه ۳۰ روز و ۵ روز از اضافه (گردش) خورشید به ۱۲ ماه در برج ها (حاصل) شود، رو بهمرفته ۳۶۵ روز. از آنجا که ۵ روزی که از ساعات در ماههای سال (به) هم شود، به آخرین ماه سال داشته اند. روز بهیز کی اندر سال از آنجا (که) اندر شمار حساب داشته اند روز شمار نیز خوانده می شود. و زمان بهیز کی از سالان از آن ۶ ساعت و خرده ساعت که بر سر ۳۶۵ روز در هر سال است، در هر یک سال یک روز، به ۴۰ سال ۱۰ روز، به ۱۲۰ سال یک ماه، به ۶۰۰ سال ۵ ماه، به ۱۴۴۰ سال سالی شود. و زمان بهیز کی از سالان چنین (است که) از ۶ ساعت و خرده که (اضافه) بر روزهای سر سال است، در سال های بسیار (به) هم شود.

و روز بهیز کی خود (هم) آن روز شمار است (که) نفوذ و وظیفه سال به نور روز و مهرگان و دیگر جشنهای کهن است که ...

از این قسمت مطالب زیر دریافت می شود:

۱- دو نوع حساب بهیز کی داریم: ۱- روز بهیز کی اندر سال ۲- زمان

بهیزکی از سالان .

۲- روز بهیزکی اندر سال مربوط بحساب يك سال و اضافات يك سال است .  
 ۳- زمان بهیزکی از سالان مربوط به مجموع اضافاتی است که در چند سال جمع شود و به شکل يك روز، يك ماه و يك سال در آید. یعنی در يك دوره قابل تسویه باشد .

از همین مطالب باز دقت آنچه در برهان قاطع آمده است - و نه جامعیت آن - روشن میشود. یعنی بهتر که در برهان فقط بر اساس زمان بهیزکی از سالان معنی شده است و نه روز بهیزکی اندر سال .

۴- آخرین مطلب بسیار با اهمیت است و آن اینکه روز بهیزکی فرقی با روز شمار ندارد جز اینکه در روز شمار ملاک روز است و بزرگترین و سالمترین واحد در سال که برای گرفتن نوروز و مهرگان محل اعتبار باشد و بتواند وظیفه و کار خود را خوب انجام دهد .

بدیهی است از آنجا که هرگونه طرح و اضافه و نگهداشتن حساب چون نوعی کیسه است، بهیزک میتواند معنی کیسه یا سال کیسه نیز بدهد. توضیحی که در بخش ۳۴ زاد سپهرم بند ۴۹ آمده است مطلب را روشن تر میکند :

kā ēbgad ō dām mad frāz 6000 sāl ī ōšmurdīg  
 abāz az frawardēn mäh, ōhrmazd rōz, tāg rōzgār  
 abāz ō frawardēn mäh, ōhrmazd rōz gašt ud mānd  
 ēstēd, ud ōspurrīgih ī 6000 sāl ī wihēzagīg 4 sāl  
 humānāg bawēd. pad ān gāh nišān bawēd ī ristāxēz.....

ترجمه: هنگامی که اهریمن بردام آمد، آنچه فرا مانده بود ۶۰۰۰ سال روز شمار بود که هست از فروردین ماه، هرمزد روز تا روزگار باز به فروردین ماه هرمزد روز بگردد و برسد .

و کسر ۶۰۰۰ سال بهیزکی برابر ۴ سال (است) به آن گاه نشان استاخیز بود.



بطوریکه ملاحظه میشود باز مقصود از سال روز شمار همان سال خورشیدی است که اگر کسرهای آنرا جمع کنیم در ۶۰۰۰ سال تبدیل به ۴ سال میشود. بدیهی است که مقصود از کسرها همان اضافه ۵ ساعت و خرده‌ای یعنی تقریباً  $\frac{۲۴۲۲}{۶۰۰۰}$  است که در طول ۶۰۰۰ سال با اندکی تسامح ۴ سال میشود و بنابراین سال روز شمار ۳۶۵ روز است و کوچکترین واحد آن روز. یعنی تا کسر سال تبدیل به یک روز نشود در حساب سال روز شمار نمی‌آید. به این ترتیب ممکن بود که در سال روز شمار نیز چند نوع عمل شود:

۱- کسر سال جمع شود و پس از چهار سال یک سال روز شمار ۳۶۶ روزی

وجود آید.

۲- کسر سال جمع شود و پس از ۱۲۰ سال یک سال روز شمار ۳۹۵ روزی

وجود آید اما روشن است که چون سال روز شمار مبدأ و ملاک حسابهای نوروز و

مهرگان بوده است عملاً فقط نوع اول عمل میشده و این سال معمولاً همان ۳۶۵

روز را داشته است و نوع دوم در زمان بهیز کی عمل میشده است. باز بتوضیح

اضافه میشود که در تقابیل با سال روز شمار، از سال بهیز کی بایست سالی که حساب

سراسر است و دقیق دارد مورد نظر بوده باشد و گرنه کم و اضافه شدن  $\frac{۱}{۶}$  شبانه روز یا

یک روز و حتی پنج یا هشت روز، اثر مهمی در یکسال و طول فصول ندارد. اشاره

به دوره ۱۴۴۰ سالی در قطعه‌ای از دینکرد که گذشت نشان میدهد که گاهی بهیز کی

دقیقاً بمعنی کیسه‌ای و کیسه‌دار میتواند باشد.

و آنجائی که نگارنده بررسی کرده است، هیچیک از پهلوی دانان معنی

دقیق چند واژه‌ای را که بآنها اشاره شد نداده‌اند. در اینجا لازم است پس از یک

تذکر بحث خود را کوتاه کنم و آن در مورد واژه *ōspurrīgih* است.

فرهنگهای پهلوی معنی آن را کامل و کمال داده‌اند.

اما در بخشی از زادسپهرم که نقل شده می‌گوید: اسپوریگیه ۶۰۰۰ سال

مساوی ۴ سال است، یعنی کسر ۶۰۰۰ سال ۴ سال است. از آنجا که *ōspurrīgih*

بانوجه به ریشه، معنی سرریز و سرشرا دارد، میتوان پی برد که واژه معنی اضافه و کسرا می داده است.

در فرهنگهای پهلوی در مورد ریشه واژه بهیزک اطلاع دقیقی نیست. مکتزی در فرهنگ خود که آخرین جایی است که در این باره نیز اشاره ای کرده آنرا  $wi + hēz$  با ریشه خاستن فارسی گرفته است. (با معنای حرکت و پیشروی و بهیزگی بمعنی جنبان) (۱) گاهی بنظر من می آید که نباید با «وه» در پنجه وه (خمسه مسترقه) بی ارتباط باشد بویژه که املاهای پهلوی آن این را بیشتر القاء می کند.

در دیگر فرهنگها و نوشته های دیگر پهلوی نوشته قانع کننده ای ندیده ام. تا آنجا که میدانم و دیدیم، این اصطلاح در کتابهای دینکرد، بندش و گزیده های زاد سپرم به کار رفته است.

ذیلا بر اساس این بحث، معنی واژه هایی را که داده شده است خلاصه میکنم و مینویسم:

$ōšmurdīg$

سال روز شمار خورشیدی. سالی که کوچکترین

واحد آن روز است. سال روز شمار، روز شمار (۲)

$wihēzag$

بهیزه، کبیسه، سال کبیسه، سال ۱۳ ماهه خورشیدی

(۳) سال خورشیدی.

$wihēzagīg$

بهیزکی، کبیسه، (سال) خورشیدی (با احتساب خرده

1- D.N.Mackenzie A concise Pahlavi Dictionary, London 1971. PP. 90-91

۲- قبلا نوبرک نیز در رساله مذکور خویش همین ریشه را داده بود. (صفحه ۶۱) بر این اساس پیش نهاد آقای مهرداد بهار در ژورنال «ژورنال» بندش تهران ۱۳۴۵ صفحه ۷۲- با اندکی تسامح قابل قبول است. ایشان معنی اشمردیک را شمسی، ذکر کرده اند.

۳- بر اساس برهان قاطع و التفهیم.

سال)، (سال) ثابت.

rōz wihēzagīg andar sāl.

حساب بهیز کی بطوری که خرده سال نه دریک دوره بلکه در خود سال تسویه شود. بحساب آوردن خرده سال دریک سال و حداکثر ۴ سال یک بار. روز بهیز کی اندر سال

zamān wihēzagīg az sālān.

حساب بهیز کی بطوریکه خرده سال نه در حساب یکی دو سال بلکه دریک دوره (مثلاً ۱۲۰ یا ۱۴۴۰ سال) تسویه شود. زمان بهیز کی از سالان، (از همین جا است که میتوان برای بهیز کی معنی کیسه رانیز دقیق دانست). (۱)

آنچه باعث شده است که تعریف این اصطلاح کاملاً دقیق نباشد این است که هیچیک از نوشته‌های فارسی میانه - که درباره تقویم است - نوشته دانشمندی متخصص نیست بلکه همه آنها نوشته موبدانی است که شاید حتی بی آنکه بفهمند از آثار متخصصان انتخاب و نقل کرده‌اند و در راه این انتخاب و نقل دقت لازم و فنی در کار نبوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- تنها مشکلی که در میان متون پهلوی می‌ماند، این بخش از دینکرد است که میگوید:

rōz wihēz tāg mäh-ē bawandag nawēd nē kardan, az

(دینکرد مدن، صفحه ۴۰۵) . . . . . 5 mäh frāy nē sipōxtan.

ترجمه: روز بهیز کی (را) تا ماهی کامل شود؛ (باید) کردن، از ۵ ماه عقب؛ (باید) انداختن... و این تنها گره مشکل است که در این صورت چه فرقی است بین روز بهیز کی اندر سال و زمان بهیز کی از سالان. تنها چیزی که در اینجا روشن می‌شود معادل بودن اصطلاح بهیز کی با کیسه است و باز بهر حال نشان میدهد که روز بهیز کی به زمان بهیز کی نمیرسد و دوره اش کوتاهتر از آن است.